



The role of elections in relations between states based on Alexander Wendt's social constructivism theory

Parviz Tavakolnia¹

Abstract

Elections as a democratic mechanism and one of the factors of the right to self-determination led the present study to answer the question of how elections affect relations between governments through the study texts, sources, and opinions of experts. As a hypothesis and answer to question, first, Alexander Wendt's social constructivism theory and its most important assumptions, intellectual axes, and ontology were examined with an analytical method. Then, in form a claim for methodological nature constructivism as a theory and research method in international relations, it was concluded that Alexander Wendt's constructivism theory, because it is based on social context and semantic nuance, and emphasizes structures, intellectual and cultural factors, norms, and identity in international relations, and elections are influenced by and affect above factors in two ways: one is the demonstration democratic norms, including free and fair elections, institutionalized participation and competition, peaceful acquisition and transfer power, and the creation of different and constructive domestic and foreign policies; and other is through the right of people to determine their destiny as part of interaction with other states, public diplomacy, democratic peace political culture, legitimacy and soft security, and soft power. It is the basis for role of elections in relations between states.

Keywords: Elections, Constructivism, Identity, Norm states.

¹ Ph.D, Political Science, Shahrreza Azad University, Isfahan. Iran.

tavakolnia1@yahoo.com



نقش انتخابات در روابط بین دولت‌ها بر اساس نظریه سازه‌انگاری اجتماعی الکساندر ونت

پرویز توکل نیا^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۰

چکیده

انتخابات در مقام یک سازوکار دموکراتیک و یکی از عوامل حق تعیین سرنوشت باعث گردید تا پژوهش حاضر باهدف کاربردی از طریق مطالعه متون و منابع و نظرات صاحب‌نظران، به این سؤال پاسخ دهد، که انتخابات چگونه موجب روابط بین دولت‌ها می‌شود؟ در مقام فرضیه و پاسخ به سؤال، با روش تحلیلی ابتدا نظریه سازه‌انگاری اجتماعی الکساندر ونت و مهم‌ترین مفروضات و محورهای فکری و هستی‌شناسی آن موردبررسی قرار گرفت، سپس در قالب داعیه روشی بودن سازه‌انگاری به‌عنوان یک نظریه و روش پژوهش در روابط بین‌الملل نتیجه گرفت، نظریه سازه‌انگاری الکساندر ونت به علت اینکه مبتنی بر عقبه اجتماعی و صبغه معنایی است و بر ساختارها، عوامل فکری و فرهنگی، هنجارها و هویت در روابط بین‌الملل تأکید دارد و انتخابات از عوامل فوق تأثیر می‌گیرد و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد، به دو طریق یکی نمایش هنجارهای دموکراتیک شامل انتخابات آزاد و منصفانه، مشارکت و رقابت نهادمند، کسب و انتقال مسالمت‌آمیز قدرت و ایجاد سیاست‌های متفاوت و سازنده داخلی و خارجی و دیگری از طریق حق تعیین سرنوشت مردم به‌عنوان بخشی از تعامل با دیگر دولت‌ها، دیپلماسی عمومی، صلح دموکراتیک، فرهنگی سیاسی، مشروعیت و امنیت نرم و قدرت نرم... بستر ساز نقش انتخابات در روابط بین دولت‌ها است.

واژگان کلیدی: انتخابات، سازه‌انگاری، هویت، هنجار، دولت

^۱ دکتری تخصصی علوم سیاسی، دانشگاه آزاد واحد شهرضا، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

tavakolnia1@yahoo.com

مقدمه و بیان مسئله

انتخابات^۱ روشی متداول و منطقی در برگزیدن فرد و یا افراد طی فرایندی قانونی است؛ که توسط آن اراده شهروندان اعمال و در اداره امور کشور و در جانشینی سیاست‌ها و انتقال مناصب و مسئولیت‌ها دخیل داده می‌شود. انتخابات منبع اصلی قدرت سیاسی مشروع و یکی از بنیادی‌ترین پایه‌های دموکراسی و مفسر نقش مردم در حکومت و تعیین سیاست‌گذاران است؛ که داده‌ها و پیامدهای آن دارای بار معنایی و تصویری واقعی و زیرپوستی از واقعیت‌ها و سیاست‌ها و خواسته‌های داخلی و خارجی است. انتخابات بنا بر ماهیت و سرشتی که دارد، پدیده‌ای چندوجهی و فی‌نفسه حاصل بازی قدرت و دادوستد سیاسی است. براین اساس علائم و تصاویری که از طریق ایده‌ها و سیاست‌های جدید عرضه می‌کند، بستر و زمینه را برای تغییر در مناسبات و روابط بین دولت‌ها و اجرای سیاست‌های متفاوت و سازنده هموار می‌کند.

انتخابات به‌عنوان یک سازوکار قانونی دارای کارکردها و کار ویژه‌هایی است که بنا به تعریف عبارت از کارکردها و کارهایی است؛ که انتخابات انجام می‌دهد، یا زمینه انجام آن‌ها را فراهم می‌کند و یا سبب انجام آن‌ها خواهد شد که عبارت‌اند از: قاعده‌مندی در کسب، حفظ، جابجایی و گردش مسالمت‌آمیز قدرت سیاسی، نهادینه‌سازی قدرت سیاسی، مشروعیت بخشی قدرت سیاسی، ثبات سیاسی و نهادمندی سیاسی، انتخاب و گزینش گری و تسهیل در چرخش نخبگان، بازسازی و اصلاح هرم قدرت سیاسی به شکل مسالمت‌آمیز، خلق فضایی به‌منظور تضارب آراء و اندیشه‌ها، ابزاری به‌منظور بازسازی و ترمیم مشروعیت سیاسی و خود ترمیمی در سیستم سیاسی یک نظام سیاسی، خلق یک نظام اقناعی با استعمال و ترویج ادبیات وفاق و بهره‌گیری از آن، تعامل در عرصه یک نظام اجتماعی به‌منظور اجماع سیاسی در مشارکت سیاسی و تحکیم مناسبات میان دولت و ملت، قاعده‌مند نمودن تصدی پست‌های عمومی و انتخاباتی، فرهنگ‌سازی سیاسی و تحول‌پذیری در فرهنگ سیاسی، ترغیب فردباوری و عقلانی

سازی رفتار جمعی و هویت بخشی، ایجاد و تقویت قدرت نرم و در نتیجه‌ی آن ایجاد امنیت نرم و نمایش هنجارهای دموکراتیک از طریق برگزاری انتخابات آزاد و منصفانه که همگی از وجوه مردم‌سالاری در مقام یک سازوکار دموکراتیک در تغییر و ایجاد سیاست‌های متفاوت و سازنده در تعامل با دیگر دولت‌ها از نظر سازه‌انگاری می‌باشند و پیش‌تر به علت تسلط نظریات خردگرا در روابط بین‌الملل مورد توجه قرار نگرفته‌اند، از یک‌سو؛ و نظریه سازه‌انگاری اجتماعی الکساندر ونت^۱ با قابلیت‌های نظری مناسب و واجد انگاره‌های روش‌شناختی مبتنی بر عقبه اجتماعی و صبغه معنایی که در آن دولت‌ها به مثابه موجودات اجتماعی می‌باشند رفتارشان بر گرفته از قواعد، هنجارها، نهادها و هویت در روابط بین‌الملل است؛ و روابط بین‌الملل را نیز با تکیه بر همین مفاهیم تحلیل می‌کند؛ و تاها مور «سازه‌انگاری را جایگزین نظری در مطالعه و تحلیل در روابط بین‌الملل می‌داند» (لینکلتر، ۱۳۸۵: ۲۱۰) از سوی دیگر است. بر این اساس فرضیه پژوهش در قبال این سؤال اصلی پژوهش که آیا انتخابات می‌تواند بر اساس نظریه سازه‌انگاری اجتماعی الکساندر ونت که در حوزه علمی روابط بین‌الملل وجود دارد، در روابط بین دولت‌ها نقش داشته باشد؟ این است که انتخابات بر اساس چارچوبی که نظریه سازه‌انگاری به عنوان یک روش تحقیق و یک نظریه از خود در روابط بین‌الملل به دست می‌دهد؛ و ابعاد ارزشی و غیرمادی و عوامل فکری و فرهنگی، هنجارها و در کل انسان و هویت درونی کشورها در روابط بین‌الملل مورد توجه قرار می‌دهد؛ و فرد را کنشگر سیاسی، اجتماعی و دارای حق رأی و انتخاب می‌داند. از ظرفیت لازم جهت تبیین نقش انتخابات در روابط بین دولت‌ها برخوردار است.

ضرورت پرداختن به نقش انتخابات در روابط بین دولت‌ها به نقش و جایگاه نظریه سازه‌انگاری الکساندر ونت در روابط بین‌الملل برمی‌گردد، که ونت آن را بر ساخته اجتماعی واقعیات می‌داند، که در فرایند تعامل با کنشگران قوام می‌یابد و خصلتی معنا گرایانه و هنجاری در روابط بین دولت‌ها دارد؛ که پیش‌تر به علت غلبه صرف

رویکردهای واقع‌گرایی و لیبرالیسم بر روابط بین‌الملل و شکل‌گیری بلوک‌های شرق و غرب و تقسیم کشورها بین آن‌ها و محدودیت دولت‌ها در ایجاد روابط باهمدیگر تحقیق پیرامون موضوعاتی همچون نقش انتخابات بر روابط بین دولت‌ها موضوعیتی نداشت. هدف از تحقیق حاضر نیز تلاش برای ارائه تصویری جدید و متفاوت از روابط بین دولت‌ها از طریق تبیین نقش و جایگاه قانونی و دموکراتیک انتخابات نزد دولت‌ها است؛ که در عرصه سیاست داخلی تحت عنوان رقابت و مشارکت نهادمند و مشروعیت بخشی به دولت‌ها و در عرصه سیاست خارجی به عنوان بخشی از حق مردم در تعامل با دیگر دولت‌ها و در روابط با آن‌ها هست.

پژوهش حاضر از دید علمی با مدنظر قرار دادن این اصل اساسی که نظریه‌ها و مفاهیم، هویت رشته روابط بین‌الملل را شکل می‌دهند و بدون استفاده از نظریه‌ها، شناخت نظام‌مند تحولات پیچیده روابط بین‌الملل میسر نیست (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۱: ۲۶-۲۵). در چارچوب مباحث نظری پژوهش به تبیین نقش انتخابات در روابط بین دولت‌ها بر اساس نظریه سازه‌انگاری اجتماعی الکساندر ونت، که به تعبیر فلیکس اوپنهایم^۱ تبیین مفهومی تلاش می‌کند تا ساختار منطقی پژوهش را مشخص کند (شاپوری و دیگران، ۱۳۹۶: ۹). در حد توان با بهره‌گیری از متون و منابع و نظریه‌های صاحب‌نظران به بست و تبیین نقش انتخابات در روابط بین دولت‌ها می‌پردازد. همچنین به منظور جلوگیری از پلورالیسم مفهومی سازه‌انگاری در پژوهش که جفری چکل^۲ معتقد است «نظریه سازه‌انگاری در طول یک فرایند تاریخی مفهومی گسترده پروانده و طیف گسترده‌ای از مفاهیم به خود گرفته و مطالعه سازه‌انگاری را با «پلورالیسم مفهومی» همراه کرده است» (Checkel, 2017: 18). در این پژوهش نخست در چارچوب مبانی نظری پژوهش نظریه سازه‌انگاری اجتماعی الکساندر ونت مورد بررسی قرار می‌گیرد و در پی آن مهم‌ترین مفروضات و محورهای فکری سازه‌انگاری برشمرده می‌شود؛ و سپس در قالب هستی‌شناسی سازه‌انگاری نشان داده می‌شود، که چگونه سازه‌انگاری اجتماعی الکساندر

1. Felix Oppenheim

2. Checkel, Jeffrey T

ونت بستر ساز نقش انتخابات در روابط بین دولت‌ها هست. در ادامه نیز زمینه‌های نقش انتخابات در روابط بین دولت‌ها مورد واکاوی قرار می‌گیرد و در پایان پژوهش نیز نتیجه‌گیری می‌شود.

۱. مبانی نظری پژوهش

۱-۱. سازه‌انگاری الکساندر ونت

چارچوب نظری استفاده‌شده در مقاله نقش انتخابات در روابط بین دولت‌ها مبتنی بر نظریه سازه‌انگاری اجتماعی الکساندر ونت یکی از اندیشمندان جریان اصلی سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل است. کتاب «نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل»^۱ که توسط الکساندر ونت در سال ۱۹۹۲ منتشر گردید و در واقع حاصل کوشش و تلاش‌های فکری ونت در شکل دادن به مرزهای دانش سیاست و در ارائه رهیافتی نوین به منظور فهم پدیده‌های سیاست بین‌الملل به شمار می‌آید؛ و در نتیجه باز صورت‌بندی «نظریه سیاست بین‌الملل»^۲ در قالب «نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل» توسط ونت صورت گرفت پایه‌گذار برداشت نظریه سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل گردید. از نظر ونت دو اصل اساسی سازه‌انگاری عبارت‌اند از: ۱. ساختار جوامع انسانی غالباً به واسطه ایده‌ها و هنجارها شکل می‌گیرد و نه نیروهای مادی ۲. هویت و منافع بازیگران در این سیستم‌ها بر اساس باورهای مشترک شکل می‌گیرد و نه طبیعت (wendt, 1994: 384). ونت همچنین معتقد بود بسیاری از مفاهیم در نظریه روابط بین‌الملل «برساخته» هستند و سرشتی اجتماعی دارد و جزئی از ذات سیستم بین‌الملل نمی‌باشند. به نظر ونت سازه‌انگاری یک تئوری ساختاری از سیستم بین‌الملل است که:

۱. دولت‌ها واحدهای اصلی تحلیل برای نظریه سیاست بین‌الملل می‌باشند.

۲. ساختارهای اساسی در سیستم دولت‌ها مادی نیستند، بلکه بین‌ذهنی هستند

3. social theory of international politics

4. theory of international politics

۳. هویت‌ها و منافع دولت‌ها توسط ساختارهای اجتماعی آنها و در فرایند تعامل ساخته می‌شوند. (wendt, 1994: 385). از نظر ونت روابط بین‌الملل سرشتی اجتماعی دارد و بر ساخته اجتماعی واقعیت است؛ که در فرایند تعامل با کنشگران قوام می‌یابد. به باور ونت ساختار بینا ذهنی نظام بین‌الملل که بر پایه شناخت مشترک شکل می‌گیرند، نقش اساسی در ساخت و پرداخت هویت و منافع دولت‌ها در قبال هم دارد (wendt, 1994: 395).

از نظر ونت دولت‌ها دو نوع هویت جمعی و اجتماعی دارند. هویت جمعی آنها از ایدئولوژی، فرهنگ سیاسی، عوامل مادی و انسانی، زبان، تاریخ، گفتمان‌های سیاسی و اجتماعی و... نشئت می‌گیرد و بر سیاست خارجی آنها اثرگذار است؛ و هویت اجتماعی دولت‌ها نیز اشاره به چیزی‌های دارد که یک دولت در عرصه روابط بین‌الملل از خود و دیگران ارائه می‌دهد؛ که در این خصوص ونت معتقد است «سیاست بین‌الملل نتیجه هویت اجتماعی دولت‌ها است؛ و هویت اجتماعی نیز حاصل تعامل میان بازیگران هست که از درون تعاملات دولت‌ها و ساختارهای معنایی مشترک شکل می‌گیرد و با توجه به تصویر و تصویری که از خود و دیگران به دست می‌دهند، پیام‌ها، علائم و سیگنال‌هایی که معمولاً ناخواسته می‌باشند، ارسال می‌شود و سایر کشورها نیز بر اساس فرهنگ، هنجارها، هویت و ساختارهای معنایی پیام‌ها، علائم و سیگنال‌ها را تفسیر و معنا و در قبال آنها روابط خود را در نظر می‌گیرند و خود و دیگری را بازتعریف می‌کنند» (محمد نیا، ۱۳۹۳: ۱۴۰). سازه‌انگاران بر تعامل میان سیاست بین‌الملل و سیاست داخلی کشورها که در فرایند تعامل متقابل باهم جامعه بین‌المللی را تشکیل می‌دهند، تأکید می‌نمایند و سیاست خارجی دولت‌ها را در نتیجه تعامل و فهم مشترک بین هویت اجتماعی (سطح بین‌الملل) و هویت‌های جمعی (سطح ملی) دولت‌ها می‌داند. براین اساس آنچه در نظریه سازه‌انگاری اجتماعی موجب نقش انتخابات در روابط بین دولت‌ها می‌شود، عقبه اجتماعی و صبغه معنایی و رویه گفتمانی در نظریه سازه‌انگاری و مفهوم فرهنگ و انگاره‌های مشترک، هویت و محورها و مفروضات فکری و عوامل معنایی و هنجاری در سازه‌انگاری است، که این امکان برای انتخابات فراهم می‌نمایند تا به عنوان پدیده‌ای فرهنگی و اجتماعی و سیاسی

که بازیگران اصلی آن یعنی انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان و دولت‌ها تحت تأثیر عقاید، ارزش‌ها، هنجارها، فرهنگ و هویت که از سازه‌های مفهومی سازه‌نگاری می‌باشند؛ و بنا بر نظر رویس اسمیت «نظام‌های متشکل از ایده‌ها، باورها و ارزش‌های مشترک خصیصه‌های ساختاری داشته و تأثیر بسیار زیادی بر کنش‌های اجتماعی و رفتار سیاسی دولت دارند» (Reus-Smit, 2005: 196). انتخابات نیز در روابط بین دولت‌ها به‌عنوان کنشگران در عرصه روابط بین‌الملل نقش داشته باشد.

نظریه سازه‌نگاری در دهه ۱۹۷۰ از سوی پیتر برگر و توماس لاکمن^۱ در کتاب «ساخت اجتماعی واقعیت»^۲ مطرح گردید و به یکی از نظریه‌های متأخر در عرصه علوم اجتماعی و تحلیل پدیده‌ها و فرایندهای سیاسی در روابط بین‌الملل تبدیل گردید (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۱۸). واژه سازه‌نگاری اگرچه به‌وسیله جامعه‌شناسان علم پیشنهاد گردید، اما باین حال نیکلاس اُونف اولین کسی بود که در سال ۱۹۸۹ در کتاب «جهانی که ما آن را می‌سازیم»^۳ رویکرد سازه‌نگاری را در حوزه روابط بین‌الملل معرفی کرد (Zehfuss, 2002: 11). اگرچه برخی دیگر از نویسندگان از جمله توری اوگا نیز براین باوند که «جان راگی» برای اولین بار سازه‌نگاری را در قلمرو روابط بین‌الملل معرفی کرده است (Oga, 2004: 3). درواقع اگرچه کاربرد اصطلاح سازه‌نگاری محدود به ونت نیست و با وی نیز آغاز نمی‌شود و کسانی چون «رام روی باسکار»^۴ در حوزه فلسفه علم، «نیکلاس اُونف»^۵، «جان راگی»^۶ و «کراتوچویل»^۷ در حوزه نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل و در طرح مقوله رژیم‌ها و تأکید بر قواعد و هنجارها در شکل دادن به رفتار دولت‌ها رویکردی سازه‌نگارانه داشته‌اند، باین حال درمجموع ونت از جمله اولین نظریه‌پردازانی است؛ که از اواخر دهه ۱۹۹۰ و مصادف با پایان جنگ سرد در جهت نقد و بازتعریف

1. Peter L. Berge Thomas Luckmann

2. The Social Construction of Reality

3. The world we build

4. Ram Roy Bhaskar

5. Nicholas Onuf

6. John. G. Ruggie

7. Kratochwil

مفاهیم اصلی در روابط بین‌الملل و در پیش گرفتن راهی جدید به‌منظور فهم پدیده‌های سیاست بین‌الملل در قالب نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل گام برداشته است؛ و درصدد دستیابی به یک نظریه کلان نوین در حوزه روابط بین‌الملل برآمده است. سازه‌انگاری ونت بر بستر مکاتب مختلفی در حوزه فلسفه علم، پدیدارشناسی، جامعه‌شناسی و مکتب کُنش متقابل نمادین قرار گرفته است. که این حاکی از بین‌رشته‌ای بودن سازه‌انگاری اجتماعی الکساندر ونت است، که با انتخابات به‌عنوان یک پدیده‌ای چندوجهی که از علل و عوامل مختلفی همچون فرهنگ، سیاست، هنجارها، قواعد و رفتارها و... تأثیر می‌گیرد و بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد و بنا بر ماهیت و سرشتی که انتخابات دارد و مطالعات مربوط به آن نیز میان‌رشته‌ای است. لذا از طریق نظریه سازه‌انگاری اجتماعی می‌توان نقش انتخابات در روابط بین دولت‌ها را تبیین کرد.

نظریه سازه‌انگاری رویکردی است؛ که پیش از طرح در روابط بین‌الملل در جامعه‌شناسی معرفت و مباحث فرا نظری و در کل علوم اجتماعی مطرح است؛ و از طریق آن‌ها وارد حوزه روابط بین‌الملل گردیده است (هادیان، ۱۳۸۲: ۸۸). بنابراین سازه‌انگاری بیش از هر چیز یک رهیافت و چارچوب تحلیل در میانه دو رویکرد واقع‌گرایی و لیبرالیسم است و در حوزه فرا نظری نیز در میانه دو طیف اثبات‌گرا و پسا ساختارگرایان است؛ که از آن به‌عنوان نظریه روابط بین‌الملل یاد می‌شود و تلاش می‌کند به نحوی نارسایی‌ها و کاستی‌های نظریه‌های گوناگون را با بهره‌گیری از برخی از گزاره‌ها و مفروضات خاص خود آن‌ها را برطرف کند و تصویر واقعی‌تر از الگوهای رفتاری در روابط بین‌الملل اعمال کند (دانش نیا، ۱۳۹۴: ۶۲). همچنین سازه‌انگاری به‌منظور قاعده‌مند نمودن دانش روابط بین‌الملل و دست‌یابی به یک نظریه کلان نوین از یک‌سو به ویژگی‌های مکاتب خردگرا و اثبات‌گرا اهمیت می‌دهد و از سوی دیگر با تمرکز بر معانی تأکید بر ایده‌ها، باورها، ساختارهای هنجاری و رفتاری و شکل‌گیری هویت بازیگران دارد (دانش نیا، ۱۳۹۴: ۶۴).

مارتین گریفیتس و اسکات سولومون^۱ براین باوند که سازه‌انگاری رویکردی جداگانه و متفاوت نسبت به روابط بین‌الملل است. که روی تعامل اجتماعی کنشگران و بازیگران سیاست جهانی تکیه دارد، از دید طرف داران این رویکرد، تعامل دولت‌ها نمایانگر نوعی روند یادگیری است؛ که طی آن کنش‌ها در گذر زمان هم به هویت‌ها، منافع و ارزش‌ها شکل می‌دهند و هم از آن‌ها شکل می‌پذیرند؛ و برخلاف دیگر رویکردهای نظری به تحقیق درباره ساخته و پرداخته شدن و نفوذ سامان‌بخش‌های بین‌المللی می‌پردازد و سعی در پیوند برقرار کردن میان ساختارهای نهادی بنیادین، هویت و منافع دولت دارد. ولی هم‌زمان خود نهادها و بازیگران واحدهای به شمار می‌آیند که یکدیگر را مشروط و مقید به هم می‌سازند (گریفیتس و سولومون، ۱۳۹۳: ۱۸۹). درواقع سازه‌انگاری به دنبال تبیین این ادعا است؛ که جامعه واجد هنجارهای مشترکی است که بر دولت‌ها اثر می‌گذارند و یک سیاست خارجی مشخص مبتنی بر ارزش‌ها را شکل می‌دهد، که این هنجارها و ارزش‌ها خود را در قالب‌های مانند قانون اساسی، نظم حقوقی، فرهنگ، سیاست و اجتماع، مناظره‌های پارلمانی، دیدگاه‌های احزاب سیاسی، برنامه‌های انتخاباتی و انتخابات و... نشان می‌دهند (هادیان، ۱۳۸۲: ۹۳۷).

سازه‌انگاری دارای مفروضات، محورهای فکری و گزاره‌های تحقیقی مختلفی است. که مهم‌ترین آن‌ها را می‌توان به صورت ذیل بیان کرد

- اهمیت ساختارهای معنایی در شکل‌گیری و تکوین واقعیت.
- نقش هویت در شکل دادن به منافع و کنش دولت‌ها.
- قوام متقابل ساختار و کارگزار.
- بر ساختگی هویت دولت، منافع و آناشری.
- قواعد هم جنبهٔ تکوینی دارند و هم جنبه تنظیمی (Onuf, 1982: 36)
- تبیین تکوینی به جای تبیین علی

- واقعیت‌ها بر ساخته اجتماعی می‌باشند
- در همه ساختارهای معرفتی، ایده‌ها، باورها و هنجارها نقش اساسی دارند.
- کارگزاران و ساختارها یا فرایندها و نهادها در پیوند و قوام متقابل باهم می‌باشند.
- هویت و منافع برای تعیین قانونمندی و پیش‌بینی پذیری در رفتار دولت‌ها و برقراری نظم نقش و اهمیت ویژه دارد.
- قدرت از نظر سازه‌انگاری وقتی مهم است؛ که جنبه‌های غیرمادی آن‌هم مورد توجه قرار گیرد (دانش نیا، ۱۳۸۴: ۱۱۱).
- آنا‌رشی هیچ‌گونه منطق ثابتی ندارد و تصور دولت‌ها نیز حاصل فهم دولت‌ها است. از نظر سازه‌انگاران ساختار روابط بین‌الملل لزوماً آنا‌رشیک نیست. چراکه آنا‌رشی چیزی است که دولت‌ها می‌فهمند و معلول عمل یا رویه‌هایی است که ساختار خاصی از هویت‌ها و منافع را تولید می‌کند. این گفته معروف ونت که «آنا‌رشی، چیزی است که دولت‌ها از آن می‌فهمند» به این معنا است که «آنا‌رشی منطق خاصی ندارد» و حاکی از آن است. که «آنا‌رشی منطق از پیش تعیین شده دارد» و حاصل فهم دولت‌ها از آنا‌رشی است (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۳۴۶-۳۴۵).
- از نظر سازه‌انگاران، بازیگران اصلی در روابط بین‌الملل دولت‌ها، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی دولتی و غیردولتی، افراد و رژیم‌های بین‌المللی می‌باشند که جامعه بین‌الملل ایجاد می‌کنند. سازه‌انگاران همچنین برخلاف رهیافت‌های رئالیسم و لیبرالیسم که نظام بین‌الملل و روابط بین‌الملل را مورد مطالعه قرار می‌دهند، جامعه بین‌المللی را مورد مطالعه قرار می‌دهند.
- از نظر سازه‌انگاران اساس روابط بین‌الملل بر آئند تعاملات اجتماعی است؛ و تأمین هویت و منافع مبنای روابط سیاسی و اقتصادی است.
- سازه‌انگاری رژیم امنیتی را برخلاف رئالیسم و لیبرالیسم که موازنه قدرت و امنیت دسته‌جمعی می‌دانند، امنیت را مبتنی بر عوامل فرهنگی، ذهنی و هویتی می‌پندارد.

- سازه‌انگاری برخلاف رئالیسم که (دولت یاری، بقاء و خودیاری) و لیبرالیسم (سازمان‌ها و رژیم‌های بین‌المللی، همکاری اقتصادی و وابستگی متقابل و کتیبه بر دموکراسی) را مورد توجه قرار می‌دهند. نقش هویت و امور بینا ذهنی و ساختارهای معنایی و فکری و تطوری بودن و روابط ساختار و کارگزار و برساخته بودن و اجتماعی بودن امور را مؤلفه‌های اصلی در روابط بین‌الملل می‌داند. از نظر ونت هویت‌ها و شناخت‌های دولت‌ها وابسته به نهادهای بین‌المللی است و نمی‌توان جدای از بستر اجتماعی آن تعریف کرد، بنابراین نهادها به گنشگران دولتی به‌عنوان سوژه‌های حیات بین‌المللی قوام می‌بخشند. به این معنی که تعامل معنادار میان آن‌ها که بازتولید انواع رویه‌ها است. را امکان‌پذیر می‌کنند (مشیرزاده، ۱۳۸۵: ۳۴۶-۳۴۵).

۲،۱- هستی‌شناسی سازه‌انگاری

یکی از ابعاد فرا نظری سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل بُعد «هستی‌شناسی»^۱ آن است. که به مفروضه‌های بنیادین در مورد جوهره سیاست بین‌الملل به‌عنوان عرصه خاص از عمل سیاسی اشاره می‌کند و ابعاد غیرمادی حیات اجتماعی همچون قواعد، هنجارها، پیام‌ها، نقش زبان و... در تکوین روابط بین‌الملل را مورد توجه قرار می‌دهد. مارک نیوفلد^۲ «مباحث فرانظری در روابط بین‌الملل را حوزه‌ای از مطالعات روابط بین‌الملل می‌داند که از نظر وی تلاش می‌کند تا پاسخ دهد، همان‌گونه معنای واقعیت وابسته به نظریه‌ها است و نظریه نیز به‌نوبه خود وابسته به بازاندیشی فرا نظری است تا کفاف آن تضمین شود» (Neufeld, 1994: 12). هستی‌شناسی کانون اصلی توجه سازه‌انگاران را تشکیل می‌دهد و با توجه به بنیادهای خاص خود، تلاش می‌کند تا بخش‌های از حقایق روابط بین‌الملل که پیش‌ازاین کمتر مورد توجه بوده است را بررسی و تحلیل کند «سازه‌انگاران اساساً کانون بحث در حوزه روابط بین‌الملل را از معرفت‌شناسی به هستی‌شناسی منتقل کرده‌اند و درصدد ارائه نوعی هستی‌شناسی اجتماعی مبتنی بر ارتباط از زندگی بین‌المللی

1. ontology

2. Mark Neufeld

و نقد هستی‌شناسی مادی هستند» (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۱۷-۱۱۸). درواقع هستی‌شناسی سازه‌انگاری از یک‌سو به ایده‌ها، معانی، قواعد، هنجارها و رویه‌ها تأکید دارد و از سوی دیگر بر نقش تکوینی عوامل فکری در برابر مادی‌گرایی جریان اصلی توجه می‌کند؛ بنابراین بُعد هستی‌شناختی، از دید سازه‌انگاری همچون دیوید دسلر^۱، هم شامل منابع و هم شامل قواعد است (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۱۱۸). جان راگی^۲ نیز مهم‌ترین خصوصیت متمایز سازه‌انگاری در قلمرو هستی‌شناسی می‌داند. او سازه‌انگاری در روابط بین‌الملل را بر اساس یک هستی‌شناسی رابطه‌ای مبتنی بر آگاهی بشر و نقش آن در روابط بین‌الملل می‌داند. از دید وی واقعیت‌های بین‌المللی هم‌فکری و هم‌مادی می‌باشند، یعنی همان‌گونه که در روابط میان افراد در جامعه فهم‌های بیناذهنی وجود دارد، در روابط میان دولت‌ها هم چنین فهم‌هایی وجود دارد؛ بنابراین از دید جان راگی سیاست بین‌الملل یک هستی‌شناسی رابطه‌ای است؛ که در آن عوامل فکری همچون فرهنگ، هنجارها و ایده‌ها در سیاست بین‌الملل ارزش و اهمیت فراوانی در تعامل و روابط بین دولت دارند (Ruggie, 1398: 4). درواقع سازه‌انگاری در چارچوب هستی‌شناسی خاص خود که به درک جدیدی از واقعیت می‌رسد و با برهم زدن مرز میان برساخته و واقعیت عینی از یک‌سو و واقعیت و ارزش‌ها از سوی دیگر روش تحلیلی جدیدی ارائه می‌دهد، که در آن شناخت‌های اجتماعی در شکل‌گیری واقعیت‌های اجتماعی نقش دارند (معینی علمداری و راسخی، ۱۳۸۹: ۱۸۴)؛ بنابراین هستی‌شناسی سازه‌انگاری اجتماعی بر تعامل میان سیاست بین‌الملل و سیاست داخلی کشورها از طریق درک و شناخت متقابل تأکید می‌کند و از این بابت تلاش می‌کند تا از طریق راهکارهای مقتضی نقش همه متغیرهای مهم و مؤثر در تحلیل روابط بین دولت‌ها که حاوی پیام‌ها و سیگنال‌ها است را در نظر بگیرد. در این میان انتخابات نیز با تمرکز بر هستی‌شناسی خاص خود به مثابه حق تعیین سرنوشت، فرهنگ، هنجار، قواعد و رویه‌ها و هویت به‌عنوان مهم‌ترین عامل بازتعریف منافع و ایجاد

1. David Dessler

2. John. G. Ruggie

سیاست‌های سازنده در روابط بین دولت‌ها نقش دارد. در همین رابطه نیکلاس اونف^۱ بر این باور است که «سازهانگاری به بحث انسان‌ها و جوامع می‌پردازد، به اینکه انسان‌ها چگونه جوامع را بر مبنای کردار و هویت خود می‌سازند و جوامع افراد را شکل می‌دهد و افراد یکدیگر را در قالب همان کردار و هویت شناسایی می‌کنند، که بعضی از این تفکرات شکل‌دهنده جامعه و بعضی دولت است» (خیری، ۱۳۷۸: ۱۷۴). بر این اساس همان‌طوری که فرد، جامعه و دولت در سازهانگاری اجتماعی به تأسی از همدیگر و در تعامل باهم در سیاست خارجی دولت‌ها مؤثر می‌باشند؛ و بنا بر نظر نویسندگان «سیاست خارجی از نظر سازهانگاری توسط دولت‌ها ساخته می‌شود» (متقی و کاظمی، ۱۳۸۶: ۲۷) بر این اساس انتخابات نیز به این سبب که آثار سیاسی جانشینی و قابلیت تغییر سیاست‌ها و بازسازی موقعیت بین‌المللی دولت‌ها دارد، مورد توجه و تفسیر دیگر دولت‌ها به‌عنوان بازیگران نظریه سازهانگاری اجتماعی قرار می‌گیرد.

۲. پیشینه پژوهش

با بررسی‌های به‌عمل‌آمده در متون و منابع علمی-پژوهشی، مقاله‌ای که به شیوه‌ی مقاله حاضر به نقش انتخابات در روابط بین دولت‌ها بر اساس نظریه سازهانگاری اجتماعی الکساندر ونت پرداخته باشد، به‌رغم اینکه انتخابات نیز پدیده‌ی بین‌رشته‌ای است و ارتباط تنگاتنگی با دیگر رشته‌ها از جمله اقتصاد، سیاست، روابط بین‌الملل و سیاست‌گذاری، امنیت و... دارد. با این حال بنا به علل مختلف که می‌تواند ناشی از فقدان مرکز، نهاد و یا موسسه علمی و مطالعاتی مختص به انتخابات در کشور باشد، یافت نشد. با این حال کتاب‌ها و مقالات بسیار مهم و ارزشمند زیادی در خصوص مسائل و موضوعات انتخابات و نظریه سازهانگاری اجتماعی که هر کدام در جای خود بسیار مفید و قابل استناد می‌باشند، نوشته شده است؛ و در تهیه این پژوهش از آن‌ها استفاده شده است.

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر با مدنظر قرار دادن این اصل اساسی که روش بررسی موضوعات سیاسی- اجتماعی مثل انتخابات نسبی و تابع موضوع تحقیق، اهداف، تئوری‌ها و چارچوب مفهومی پژوهش است. باهدف کاربردی از طریق مطالعات متون و منابع و نظریات صاحب‌نظران در موضوع انتخابات و سازه‌انگاری و امعان نظر به اینکه سازه‌انگاری به‌عنوان راهی میانه در نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل شناخته می‌شود و جنبه‌های سایر نظریه‌های روابط بین‌الملل را جذب و تبیین همه‌جانبه‌ای از آن‌ها در زمینه‌ها و موضوعات مختلف عرضه می‌کند؛ و نظریه سازه‌انگاری واجد انگاره‌های روش‌شناختی است بدین معنی که سازه‌انگاری هم یک نظریه و هم یک روش پژوهش است؛ و الکساندر ونت به هر دو نظریه‌پردازی تکوینی و تبیینی در علوم اجتماعی اهمیت می‌دهد و آن‌ها را مکمل یکدیگر می‌داند و اونف نیز سازه‌انگاری را از نظر روش‌شناسی دارای گشودگی می‌داند و معتقد است که سازه‌انگاری می‌تواند با مجموعه‌ای از روش‌های مختلف سازگار باشد (Onof, 2002: 4) و داعیه‌ای روشی بودن سازه‌انگاری قابلیت تبیین نقش انتخابات در روابط بین دولتها دارد. براین اساس در این پژوهش از روش تحلیلی استفاده می‌شود. به این منظور که «مطالعات تحلیلی»^۱، مطالعاتی هستند که ارتباط دو یا چند متغیر را با پیامدهای مورد نظر بررسی می‌کند و به کشف یک «ارتباط علمی»^۲ می‌پردازد، با نظریه سازه‌انگاری اجتماعی که معتقد به تبیین مفهوم علیت و مکانیسم علی می‌باشند و علیت را مشمول ارتباط میان دو مؤلفه علت (عنصر تأثیرگذار) و معلول (عنصر تأثیرپذیر) می‌دانند. از طریق برقراری رابطه علت و معلول بین انتخابات و نظریه سازه‌انگاری اجتماعی الکساندر ونت که در آن انتخابات به‌عنوان علت و عنصر تأثیرگذار و سازه‌انگاری اجتماعی الکساندر ونت به‌عنوان عنصر معلول و تأثیرپذیر به نقش انتخابات در روابط بین دولتها پرداخته شد.

1. Analytic studies

2. scientific communication

۱-۲. انتخابات

هرسال ده‌ها انتخابات اعم از انتخابات در «نظام‌های پارلمانی»^۱ برای انتخاب نمایندگان پارلمان و انتخابات در «نظام‌های ریاستی»^۲ برای تعیین رئیس‌جمهور در سراسر جهان برگزار می‌شود و از طریق آن به‌عنوان یک سازوکار دموکراتیک بستر و زمینه برای ایده‌ها و سیاست‌های جدید و تغییر مناسبات و جایگاه بین‌المللی کشورها فراهم می‌شود. به‌عنوان نمونه در سال ۲۰۲۴ در ۷۰ کشور که حدود نیمی از جمعیت جهان را در برمی‌گیرد، انتخابات برگزار شد و نشان داده شد، که هرچند دموکراسی در سال ۲۰۲۴ در مسیری سخت حرکت کرد. بااین حال انتخابات در حال حاضر به‌عنوان پدیده‌ای بی‌بدیل و یکی از مهم‌ترین شاخص‌های نظام‌های مردم‌سالار در تحقق دموکراسی و در جابجایی قدرت و سیاست‌های داخلی و خارجی کشورها و عنصر کلیدی در اعمال حق تعیین سرنوشت مردم و در تعیین منتخبین به شمار می‌رود. به تعبیر جوزف شومپتر^۳ «انتخابات در مرکز مفهوم دموکراسی و شرط لازم برای تحقق آن است» (عالم، ۱۳۹۰: ۱۳۹).

کاس موده^۴ از اندیشمندان روابط بین‌الملل دانشگاه جورجیا در مقاله‌ای در نشریه معتبر «پراسپکت»^۵ که به موضوع سیاست، اقتصاد، اجتماع و امور جاری اختصاص دارد، سال ۲۰۲۴ را از نظر دموکراسی و جابجایی قدرت و سیاست و... این‌طور خلاصه می‌کند: سال بسیار خوبی برای راست افراطی، سالی بسیار بد برای سیاستمداران و احزابی که در قدرت بودند و سالی دشوار و پردردسر برای دموکراسی در سراسر جهان بود. به نظر وی در این سال بسیای از احزاب و سیاستمداران حاکم در قدرت شکست خوردند، رأی‌دهندگان خسته از ناملایمات اقتصادی و سیاست‌ها، سیاستمداران حاکم را کنار

زدند و در مواردی به احزاب و سیاستمداران نامتعارف و بحران‌آفرین روی آوردند، در پایان سال ۲۰۲۴ نیز تزلزل در معیارهای دموکراتیک تشدید گردید^۶ درواقع تحولات

3. Parliamentary system

4. Presidential system

5. Joseph Schumpeter

6. Cas Mudde

7. prospect

1. //https://time.com/6550920/world-elections-2024

حاصل از انتخابات در سال ۲۰۲۴ نشان داد که انتخابات فرآیندی مبتنی بر قانون و مقررات است. که در چارچوب آن بسته به خواست و تصمیم مردم ایده‌ها و سیاست‌های جدیدی وارد عرصه سیاست داخلی و خارجی کشورها می‌شود که ممکن است زمینه را برای تغییر در مناسبات جدید و جایگاه بین‌المللی کشورها فراهم نماید «انتخابات به عنوان یک اقدام قانونی و رویداد ملی و مردمی ممکن است، خواسته یا ناخواسته انتقال‌دهنده پیام‌هایی به دیگر دولت‌ها باشد. دولت‌ها نیز بسته به شرایط خاص یا مؤلفه‌های هویتی خویش سیگنال‌ها را تفسیر و در برابر آن‌ها واکنش نشان می‌دهند. البته برداشت‌ها و واکنش افکار عمومی مردم و دولت‌ها از جمله مواردی می‌باشند که در نظریه سازه‌نگاری اجتماعی اهمیت بیشتری یافته است. درک و رفتار حکومت‌ها ممکن است، در همسویی با مواضع غالب افکار عمومی داخلی باشد و یا اینکه متفاوت از آن باشد که معمولاً در کشورهای دموکراتیک همسویی پررنگ‌تری بین دو طرف جریان دارد و از طریق انتخابات قابل برداشت است» (قنبر لو، ۱۳۹۴: ۱۷۶). درواقع دولت‌ها به منظور معرفی و ایجاد ارتباط با دولت‌های دیگر سعی می‌کنند منطق یا منطق‌های حاکم بر رفتار آن‌ها را درک کنند و از آنجا که تصاویری که دولت‌ها از هم دارند، ضرورتاً منطبق با واقعیت‌های آن‌ها نیست، فلذا فهم و تفسیری که دولت‌ها از سیاست‌ها، اقدامات، مقاصد و منافع همدیگر به دست می‌دهند، مبتنی بر پیام‌ها و سیگنال‌های است، که آن‌ها از راه‌های مختلف از جمله انتخابات از دولت‌های دیگر دریافت می‌کنند که ناخواسته بر ذهنیت آن‌ها تأثیر گذاشته و آن‌ها را به واسطه معانی خاصی که از پیام‌ها و سیگنال‌ها دریافت می‌نمایند، به فهم آن‌ها از همدیگر کمک می‌کند. براین اساس یکی از عوامل بسیار مهم دولت‌ها برای شناخت یکدیگر تفسیر پیام‌ها و سیگنال‌های است که به دنبال برگزاری انتخابات در مقام یک سازوکار دموکراتیک صورت می‌گیرد که بسته به ماهیت و شرایط آن خواسته و یا ناخواسته از سوی دیگر دولت‌ها معنا می‌شود که آزاد و منصفانه بودن آن قطعاً آثار متفاوتی در مقایسه با انتخابات مخدوش و نمایشی دارد. به نظر رابرت دال «انتخابات آزاد و عادلانه اوج فرایند دموکراتیک شدن است و نه آغاز آن» (رُز، ۱۳۹۰: ۸۶). عوامل

بسیاری می‌توانند از جهات مختلف بر اساس نظریه سازه‌انگاری اجتماعی الکساندر ونت بستر ساز نقش انتخابات در روابط بین دولت‌ها باشند که در ادامه به مهم‌ترین آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱. فرهنگ سیاسی

«فرهنگ سیاسی»^۱ دارای صبغه‌ای معنایی و رابطه‌ای است؛ و به معنای نحوه اثرگذاری متقابل فرهنگ و سیاست در موضوعات مختلف سیاسی- اجتماعی از جمله انتخابات است. «در فرهنگ سیاسی مقوله‌های مهمی نظیر میزان مشارکت سیاسی و رقابت در انتخابات، شیوه رأی‌دهی، حمایت یا بی‌اعتنای نسبت به نظام سیاسی و... قابل بررسی است. که موضوعات فوق تا حد قابل توجهی به ارزش‌ها، اعتقادات، انگاره‌ها و... وابسته هستند، که در فرهنگ سیاسی یک ملت جای می‌گیرند (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶: ۱۱). در واقع فرهنگ سیاسی و هنجاری هر دولت چارچوب هنجارهای آن دولت در محیط داخلی و خارجی ترسیم می‌کند. که احساس ثبات سیاسی و حق تعیین سرنوشت از طریق انتخابات و تعیین خط‌مشی سیاسی داخلی و خارجی از هنجارهای داخلی آن می‌باشند. بنابراین «شناخت فرهنگ موجود در نظام بین‌الملل برای فهمیدن این که دولت‌ها چگونه رفتار خواهد کرد اهمیت قاطع دارد» (گریفیتس، ۱۳۸۸: ۶۳). اگر پذیریم که فرهنگ سیاسی هر کشور نقطه عزیمت هر گونه رفتار و تغییر در عرصه سیاسی داخلی و خارجی آن کشور است. برای این اساس همان گونه که فرهنگ در داخل کشورها امکان سازش و حل و فصل مسالمت‌آمیز درگیری‌ها را بدون تهدید به خشونت فراهم می‌سازد، در آن‌سوی مرزهای ملی نیز در مورد دیگر کشورهای در چارچوب شناخت مشترک و فرهنگ معنا پیدا می‌کند و تعامل شکل می‌گیرد. الکساندر ونت اعتقاد دارد که عناصر فرهنگ داخلی و بین‌المللی سبب ایجاد هویت کشورها می‌شود. به عبارت دیگر هویت هر کشور تحت تأثیر ارزش‌های داخلی و بین‌المللی شکل می‌گیرد و از مهم‌ترین عوامل تعریف‌کننده منافع و سیاست

خارجی ویژه هر کشوری است. از این رو از نظر سازه‌انگاری فرهنگ و هنجارها و نرم‌های فرهنگی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اثرگذار بر روابط بین‌الملل و مناسبات میان کشورها است. در همین رابطه ونت به وجود سه رویکرد مختلف در دولت‌ها با عنوان فرهنگ‌های سه‌گانه هابزی^۱، لاکی^۲ و کانتی^۳ اشاره می‌کند، از نظر ونت این فرهنگ‌ها در واقع ایده‌های مشترکی هستند که سبب کمک به ایجاد منافع و توانمندی‌های دولت می‌شوند، و در تشکیل و ایجاد روندهای سیستم بین‌الملل مؤثرند است (wendt, 1999: 103). که در این میان فرهنگ هابزی تا قرن هفتم میلادی بر سیستم نظام بین‌المللی حکم‌فرما بود و کاربرد زور و خشونت به معنای واقع‌گرایانه آن ارزش و وسیله بقا بود و طی آن دولت‌ها یکدیگر را دشمن تلقی می‌کردند. در پی آن و متعاقب تحول و تکامل در سیستم حاکم بر نظام بین‌الملل از پیمان و ستفالی به بعد شق دیگری از فرهنگ تکوین یافت که ونت آن را فرهنگ لاکی می‌نامند، که بر اساس آن تلقی دولت‌ها از یکدیگر به مثابه رقیب است. صورت سوم فرهنگ از نظر ونت، فرهنگ تعامل دولت‌ها در قبال همدیگر است، که در حال حاضر بر روابط بین دولت‌ها حاکم است. و در آن دولت‌های دموکراتیک به عنوان دوست در قبال همدیگر عمل می‌کنند. به نظر ونت هر یک از فرهنگ‌های فوق در سه سطح درونی شده‌اند: که در سطح اول با مفروضات واقع‌گرایی سازگار است. و دنباله‌روی از هنجارها برآیند زور و قدرت هژمون است. در سطح دوم و متناسب با مبانی نولیبرال‌ها تعهد به هنجارها ناشی از مشروعیت و منافع حاصل از آن‌ها است. و در سطح سوم که رویکردی سازه‌انگارانه است. هنجارها اساساً شکل‌دهندی منافع و هویت بازیگران است (دانش‌نیا، ۱۳۹۴: ۷۱-۷۲).

سازه‌انگاران بر نقش فرهنگ در روابط بین‌الملل تأکید دارند و کانون توجه آنان آگاهی بشر و نقشی است که این آگاهی در روابط بین‌الملل ایفا می‌کند، بنابراین از دید سازه‌انگاران فرهنگ نقش مهمی در مناسبات و روابط بین‌الملل و سنگ‌زیرین آن منظور

2. Thomas Hobbes

3. John Locke

4. Immanuel Kant

می‌شود، به گونه‌ای که اقتصاد، سیاست و اجتماع را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد، و بدون توجه به فرهنگ موارد فوق معنایی ندارند، لذا همین امر باعث شده است. تا سازه‌انگاران یکی از دلایل مهم ناکامی رئالیست‌ها و لیبرال‌ها در تجزیه و تحلیل درست مسائل و مناسبات بین‌المللی را در بی‌توجهی آن‌ها به فرهنگ بدانند. بنابراین سازه‌انگاران برای باورند که تأکید بیش از حد خردگرایی (رئالیسم - نئورئالیسم و لیبرالیسم - نئولیبرالیسم) بر ابعاد عینی و مادی روابط بین‌الملل و نادیده گرفتن ابعاد معنایی و ذهنی آن که فرهنگ سیاسی در نقطه مرکزی و محور آن قرار دارد و بنا بر استدلال بعضی از نویسندگان «اگر کسی بخواهد در سیاست دست ببرد، یا قدرت سیاسی در اختیار بگیرد، باید از فرهنگ شروع کند و قدرت فرهنگی و فرهنگ تأثیرگذاری را در اختیار بگیرد» (دونوا، ۱۳۷۴: ۲۹-۲۶). باعث گردید تا سازه‌انگاران نقش و تأثیر فرهنگ به عنوان یک برساخته اجتماعی که مسائل مختلفی از جمله انتخابات می‌تواند در برگیرد، به عنوان یک هنجار و فهم بین‌الذهانی مشترک در سطح بین‌المللی مورد توجه قرار دهند.

۲. مشارکت و رقابت

مشارکت در انتخابات از انواع مشارکت متعارف است، بدین معنی که در چارچوب قوانین و مقررات رسمی یک کشور انجام می‌پذیرد، و به معنای شرکت در هرگونه انتخابات و رأی دادن است (عبدالمطلب و امامی، ۱۳۸۹: ۱۱۸). رابرت دال^۱ در کتاب تجزیه و تحلیل جدید سیاست، مواردی نظیر شرکت در انتخابات ریاست جمهوری، شرکت در انتخابات محلی و فعالیت برای یک نامزد یا حزب در طول انتخابات را مشارکت سیاسی می‌نامد (مصفا، ۱۳۷۵: ۳۶).

1. Robert A. Dahl

دال همچنین در اهمیت توجه به مقوله مشارکت و رقابت سیاسی به طور هم‌زمان دو رکن «رقابت عمومی»^۱ و «مشارکت عمومی»^۲ را عوامل اساسی تکثرگرایی سیاسی می‌داند، و پیشرفت به سمت دموکراسی را در صورتی پایدار و مسلم می‌داند، که رقابت قبل از مشارکت توسعه یابد (رز، ۱۳۹۰: ۸۶). براین اساس رقابت سیاسی نیز ناظر بر نوعی رفتار سیاسی است. که ریشه در فرهنگ عمومی و میزان توسعه‌یافتگی سیاسی جامعه در حوزه‌های مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دارد. رقابت سیاسی زمانی می‌تواند مسالمت‌آمیز و ارزشمند تلقی شود، که رقابت سیاسی و مشارکت سیاسی توأمان و به‌صورت هم‌زمان باهم گسترش یابند و در قالب نهادهای عمده‌ای مانند احزاب سیاسی، پارلمان و انتخابات نمودار شوند، تا اینکه رقابت سیاسی و مشارکت سیاسی بر نتایج حکومتی و بر سیاست‌های داخلی و خارجی مؤثر باشند (بشیریه، ۱۳۸۲: ۵۸۴). مشارکت در انتخابات به این علت که از یک‌سو در مقایسه با دیگر وجوه مشارکت سیاسی قابل‌سنجش و اندازه‌گیری به شکل کمی است. و حد قابل توجهی از رفتارها و باورها و جهت‌گیری‌های سیاسی و رفتاری را نسبت به انتخابات رقابتی و منصفانه را نشان می‌دهد، کماکان معیار عمده در سنجش میزان مشارکت سیاسی است. و بنا بر اهمیتی که دارد. ارسطو آن را محور «زندگی سیاسی» می‌داند (ملکی، ۱۳۸۴: ۲۲۶). مشارکت و رقابت در انتخابات بنا بر پیام‌ها و بازخوردهایی داخلی و خارجی خاص خود، نقش مهمی در افزایش اعتبار روانی و وجهه کشورها در سطح منطقه و جهان دارد. که این امر علاوه بر اینکه باعث قدرت چانه‌زنی و قدرت نرم‌افزاری سیاسی کشورها می‌شود و منازعه‌های پنهان و نهفته، تهدیدها و فشارهای داخلی و خارجی آن‌ها را کاهش می‌دهد. در ثانی در ثبات و امنیت کشور مؤثر است و تمایل بیش‌ازپیش بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در بسط مناسبات همه‌جانبه را نیز در پی خواهد داشت. در این رابطه گاستون بوتول^۳ براین باور است که: «مشارکت در انتخابات موجب مقبولیت دولت‌ها و اعتبار داخلی و خارجی آن‌ها می‌شود و توأمان

2 . General competition

3 . Public participation

4. Gaston Bouthoul

مشارکت و رقابت سیاسی در انتخابات ماهیت دموکراتیک دولت‌ها را نشان می‌دهد و آرای عمومی از راه مشارکت و رقابت در انتخابات وسیله شناختی برای دولتمرد سیاسی به‌ویژه آشکارکننده شکایت‌های مردم و یا کارآمدی آن و اشتیاق به آن است» (بوتول، ۱۳۷۱: ۱۲۴).

۳. مشروعیت

مشروعیت به معنای قانونی بودن و یا طبق قانون بودن است. و یکی از معیارهای مهم و مطرح درباره مشروعیت قدرت، رأی مردم است. که ماکس وبر^۱ از آن به‌عنوان «مشروعیت قانونی»^۲ یاد می‌کند. مشروعیت حاصل از انتخابات از نوع مشروعیت قانونی است، و اعتقاد براین است. دولت‌های مردم‌سالار که بر اساس قواعد و هنجارهای قانونی استوار می‌باشند، نمونه بارز مشروعیت عقلانی و قانونی هستند. ماکس وبر نخستین بار مشروعیت را به‌صورت مفهومی عام بیان کرد. به اعتقاد او مشروعیت بر «باور» مبتنی است. و از مردم اطاعت می‌طلبد. براین اساس مشروعیت قانونی مبتنی بر اصل «حق تعیین سرنوشت» است. که آحاد مردم باید از آن برخوردار باشند. ژان-ژان روسو^۳ از طرفداران نظریه قرارداد اجتماعی در این زمینه می‌نویسد: «تنها چیزی که می‌تواند اساس قدرت مشروع و حکومت حقه را تشکیل دهد قراردادهایی است. که با رضایت مردم بسته شده باشد» (رسو، ۱۳۶۸: ۴۱). براین اساس انتخابات به این سبب که بیانگر خصوصیات و مشی دولت‌ها در اعمال اراده مردم و خواسته‌های آنان از طریق صندوق‌های رأی است و به اقدامات داخلی و بین‌المللی دولت‌ها مشروعیت می‌بخشد. و بنا بر نظر سیسرو^۴ «قدرت فقط وقتی مؤثر است، که مشروع باشد و مشروعیت باعث قانونی شدن قدرت می‌شود. و مقبولیت نیز «پذیرش مردمی» مشروعیت است» (عالم، ۱۳۹۰: ۱۰۵). مشروعیت در مورد دو بُعد از قدرت حکومت اهمیت دارد: یکی مشروعیت منبع یا ریشه قدرت است. که بر اساس

1. Max Weber

2. legitimacy

3. Jean-Jacques Rousseau

4. Cicero

نحوه‌ی به قدرت رسیدن دولت‌ها از طریق انقلاب، کودتا، ارث و یا انتخابات ارزیابی می‌شود. و دیگری مشروعیت اعمال قدرت است، که راه و روش‌هایی است. که قدرت به سبب آن اعمال می‌شود. همچنین تأیید یا رد مشروعیت حکومت نیز دو منشأ دارد: یکی منشأ درونی مشروعیت است، که نتیجه تصور و ارزیابی شهروندان و گروه‌های داخلی دولت‌ها در مورد قدرت حکومت است. که منجر به اقتدار و ثبات درونی دولت‌ها می‌شود، و وفاداری شهروندان آن را نیز تضمین می‌کند. و دیگری منشأ بیرونی مشروعیت است. که در نتیجه تصور و ارزیابی دیگر دولت‌ها در نظام بین‌الملل حاصل می‌شود. و موجب تثبیت و تحکیم جایگاه بین‌المللی دولت‌ها می‌شود و زمینه همکاری دیگر دولت‌ها را فراهم می‌کند. که مردمی بودن و رضایت مردم اهمیت زیادی در تأمین مشروعیت درونی و بیرونی دولت‌ها دارد (قنبرلو، ۱۳۹۴: ۱۸۰). باوجودی که مشروعیت هر نظام سیاسی صرفاً نتیجه انتخابات و کارکردهای آن نیست و عناصر و عوامل دیگری همچون تقویت مبانی جامعه دموکراتیک و مردم‌سالار، ساختارهای سالم و کارآمد نظام اداری، رشد مفهوم شهروندی و حقوق و مسئولیت‌های وابسته به آن و کارآمدی و رضایت مردم، سلامت سیستم سیاسی و اقتصادی و... در مشروعیت آن دخیل می‌باشند. بااین حال اهمیت انتخابات در تأمین مشروعیت دموکراتیک به این خاطر است. که انتخابات از یک سو پشتیبانی و رضایت داخلی را به همراه دارد و از سوی دیگر بر قدرت و موقعیت بین‌المللی دولت‌ها اثر مثبت می‌گذارد و از طریق انتخابات در عرصه سیاست داخلی، تحت عنوان رقابت و مشارکت نهادمند و مشروعیت بخشی، و در عرصه سیاست خارجی به عنوان بخشی از حق مردم در تعیین جایگاه خود در جامعه بین‌الملل و در تعامل با دیگر دولت‌ها و روابط بین آن‌ها ایجاد مشروعیت می‌کند.

۴. صلح دموکراتیک

بر اساس تئوری صلح دموکراتیک، یا نبود جنگ بین دولت‌های دموکراتیک، نظام‌های سیاسی دموکراتیک از سازوکارهایی برخوردارند که از بروز جنگ میان همدیگر

جلوگیری به عمل می‌آورند. امانوئل کانت^۱ (۱۹۹۳) با انتشار کتاب «صلح پایدار»^۲ در اواخر سده هجدهم برای اولین بار تئوری صلح دموکراتیک یا لیبرال انترناسیونالیسم را پایه‌گذاری کرد. به نظر کانت، صلح میان دموکراسی‌ها با تکیه بر سه اصل امکان‌پذیر می‌شود: اول اینکه سیستم سیاسی دولت‌ها به شکل جمهوری بوده و در قالب آن مالکیت خصوصی، اقتصاد بازار، برابری حقوق شهروندان، تفکیک قوا و اصول مکمل دیگر نیز رعایت می‌شوند. دوم جمهوری‌های لیبرال از طریق ایجاد و استقرار نوعی «اتحادیه صلح‌طلب»^۳ روابط خویش را در قالب آن تنظیم کنند و هر چه جمهوری‌ها افزایش یابند و وارد این اتحادیه شوند دامنه و محدوده صلح گسترش بیشتری می‌یابد. سوم وجود قانونی جهانی است. که طبق آن، دولت‌ها رفتار مبتنی بر احترام متقابل را پذیرفته باشند و حقوق اتباع کلیه طرف‌های مقابل در ورود و خروج آزادانه از مرزهای جغرافیایی و انجام تجارت آزاد را تضمین کنند (قنبرلو، ۱۳۹۴: ۱۷۷).

زیو مائوز و بروس راست^۴ در کتاب «سیاست جهانی: محدودیت‌ها و فرصت‌های انتخاب»^۵ در تبیین علل صلح میان دموکراسی‌ها به دودسته از علل ساختاری و هنجاری اشاره می‌کنند. از نظر آن‌ها عوامل ساختاری، ساختار سیستم تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری را در برمی‌گیرد که بر اساس آن اقدام به جنگ در قبال دموکراسی‌های دیگر بسیار دشوار می‌کند. اما آنچه در اینجا اهمیت ویژه دارد و با بحث نظری مقاله ارتباط نزدیک دارد، نقش هنجارها در ممانعت از جنگ است. دخالت هنجارها به این شکل است. که دولت‌های جمهوری معمولاً آن دسته از هنجارهای رفتاری در قلمرو داخلی خود که تأکیدشان بر رقابت سیاسی منظم با استفاده از روش‌های مسالمت‌آمیز است. را به بیرون از مرزهای ملی سرایت می‌دهند. در این میان کشورهایی که مبتنی بر سیستم انتخابات دوره‌ای هستند و رفتار حکومت‌ها بر آیند انتخابات و همسو با افکار

1. Immanuel Kant

2. Perpetual Peace

3. pacifist Union

1. Zeev Maoz and Bruce Russett

2. World politics the menu for choice 5th 1998

عمومی و خواست آنان است. در مقایسه با کشورهای غیر دموکراتیک از نظر داخلی مصونیت و امنیت بیشتری در برابر دخالت‌های احتمالی قدرت‌های خارجی دارند. در واقع بر اساس رهیافت سازه‌انگاری رفتار مسالمت‌جویانه دموکراسی‌ها باهم دیگر در نتیجه فراگیری قاعده‌ای است. که آن‌ها از طریق فرایندهای تعامل با یکدیگر فرامی‌گیرند «ساختار سیاسی داخلی دموکراسی‌ها، آن‌ها را به این سمت سوق می‌دهد، که اگر رقیب از ساختار سیاسی دموکراتیک برخوردار باشد، بی‌خطر خواهد بود، و رهبران دولت‌های دموکراتیک با استناد به حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف‌هایی که در ساختارهای داخلی‌شان مستتر است، همدیگر را در مورد نیات صلح‌جویانه خویش متقاعد می‌کنند» (ریس کاپن، ۱۳۸۵: ۴۵۷-۴۵۸) براین اساس دولت‌هایی که هنجارهای دموکراتیک را پذیرفته‌اند و برای تعیین تصمیم‌گیران از سیستم انتخابات آزاد و منصفانه استفاده می‌کنند، خواه‌ناخواه از طریق انتخابات این سیگنال را به دیگر کشورهای منتقل می‌کنند، که آماده تعامل با روش‌های مسالمت‌آمیز با آن‌ها می‌باشند. و در چارچوب صلح دموکراتیک نیز از برگزاری انتخابات در سایر کشورها به این خاطر که به برقراری روابط بین آن‌ها کمک می‌کند، استقبال می‌کنند.

۵. قدرت نرم و امنیت نرم

اگر اهداف امنیت ملی کشورها را مجموعه‌ای از ثبات سیاسی و حفظ ارزش‌های ملی، استقلال و تمامیت ارضی و... بدانیم، تأمین این اهداف و کوشش در حفظ و حراست از آن با اتکا به آرای مردم در انتخابات به‌عنوان یکی از ظرفیت‌های دولت‌ها است. انتخابات در بستر امنیت همه‌جانبه به سرانجام می‌رسد، و خود نیز به خاطر اعمال حق حاکمیت مردم از طریق رأی امنیت ساز است. براین اساس انتخابات نقش مؤثر و تأثیر بسزایی در تولید مؤلفه‌های قدرت نرم و در ایجاد امنیت نرم دارد. به تعبیر جوزف نای «قدرت نرم

فراتر از ترغیب، توانایی تحریک دیگران به انجام کاری از طریق استدلال است. این نوع قدرت دربردارنده توانایی جذب یا شیفته سازی نیز هست (Nye, 2004: 124-125). در رویکرد ایجابی امنیت به مثابه وضعیتی است. که در آن بین خواسته‌های شهروندان با کار ویژه‌های نظام سیاسی نسبتی متعادل وجود دارد به گونه‌ای که در شهروندان رضایت‌مندی ایجاد می‌کند (افتخاری: ۱۳۸۵: ۱۲) و درونی بودن نگاه گفتمان ایجابی، تأکید گفتمان ایجابی بر قدرت نرم‌افزاری و رضایت به عنوان مبنای گفتمان از جمله ویژگی‌های گفتمان ایجابی، امنیت می‌باشند (افتخاری: ۱۳۸۵: ۲۸۹). علاوه بر این، ابعاد نرم امنیت، که مورد تأکید تحلیل‌های نوین امنیتی نیز است، با مواردی چون ظرفیت سیاسی، کارایی سیستمی، مشروعیت سیاسی، نهادمندی و انسجام اجتماعی مشخص می‌شوند، که موارد فوق از کارکردهای انتخابات و از مؤلفه‌های ایجابی امنیت نرم و قدرت نرم می‌باشند. «در نظام‌های سیاسی مردم‌سالار، قدرت در اختیار شهروندان است و آنان می‌توانند این قدرت را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم اعمال کنند و اعمال قدرت به سه گونه انجام می‌گیرد. نخست مشارکت در رأی‌گیری و از طریق انتخابات و... دوم رقابت مانند آنچه میان نامزدهای انتخابات و احزاب سیاسی صورت می‌گیرد. و سوم، آزادی، مانند آزادی بیان و آزادی برپایی اجتماعات» (اونیل، ۱۳۸۶: ۱۸۷). بنابراین انتخابات بنا بر کارکردهای همچون ایجاد مشارکت عمومی و رقابت، مشروعیت بخشی و نهادمندی در کسب، حفظ و انتقال مسالمت‌آمیز قدرت سیاسی و... از مؤلفه‌های مؤثر بر روابط بین دولت‌ها است «انتخابات به دلیل ایجاد و تقویت مؤلفه‌های همچون تطابق گفتمان امنیتی نخبگان و جامعه، تطبیق با تغییرات محیطی، ایجاد سازوکار صلح‌آمیز برای حل و فصل منازعات سیاسی، افزایش کارایی نظام سیاسی، ایفای نقش در ثبات سیاسی، نظارت مدنی بر نهادهای سیاسی و افزایش امکان شایسته‌سالاری و توسعه سیاسی و... با ابعاد نرم امنیت در ارتباط است و امنیت ساز است» (توکل نیا، گلشنی و احمد آذین، ۱۳۹۹: ۹).

سازه‌انگاران نقش هویت، هنجارها و ارزش‌های مشترک اجتماعی و مفاهیم علمی در تأمین امنیت مورد توجه قرار می‌دهند. به طوری که این امر باعث شده است تا مطالعات

امنیتی نظریه پردازان سازه‌انگاری همچون الکساندر ونت، پتر کاتزنشتاین^۱ و. پس از پایان جنگ سرد و فرایند جهانی شدن به این موضوع ختم شود، که اولاً ساختارهای اساسی سیاست بین‌الملل ساخته و پرداخته ساختارهای اجتماعی واقعیات است و مسئله امنیت فقط از این واقعیت تشکیل نشده است که دو کشور سلاح هسته‌ای داشته باشند، بلکه به این امر بستگی دارد که این دولت‌ها چه دیدگاهی نسبت به هم دارند. بنابراین، جامعه امنیتی از نظر سازه‌انگاری ساختارهای اجتماعی متفاوتی دارد و از دانش مشترک تشکیل شده است و در آن کشورها برای حل و فصل اختلافات بدون توسل به جنگ به یکدیگر اعتماد می‌کنند (بیلیس و استیو، ۱۳۹۲: ۵۸۸-۵۸۹). ثانیاً تغییر تفکر در خصوص روابط بین‌الملل توسط سازه‌انگاران، منجر به تغییر وضعیت امنیت بین‌الملل و بهبود آن شده است؛ که این درواقع بدان معنا است؛ که چنانچه تفکر ما از امنیت تغییر نماید، امنیت نیز تغییر خواهد کرد. ثالثاً، از نظر سازه‌انگاری اعتقاد بر این است. کشورهایی که نسبت به بایدهای درونی خود، امنیت را از طریق ایجاد نهادهای مبتنی بر اعمال حق تعیین سرنوشت، استحکام بخشیده‌اند، از امنیت و قدرت نرم و مشروعیت لازم داخلی و بین‌المللی برخوردار می‌باشند. در همین رابطه هلگا هافندرون^۲ بنابر ماهیت و منابع امنیت با گسترش دادن دامنه‌ی تعریف امنیت، معتقد است: «امنیت علاوه بر اینکه فقدان تهدید نظامی و حفاظت از ملت در برابر براندازی و یا حمله نظامی است، پایداری از حق تعیین سرنوشت ملت نیز امنیت است» (هافندرون، ۱۳۷۱: ۴). براین اساس انتخابات به‌عنوان حق تعیین سرنوشت علاوه بر اینکه باعث روابط بین دولت‌ها می‌شود و جایگاه بین‌المللی دولت‌ها را بازسازی و ترمیم می‌کند و آسیب‌پذیری آن‌ها را در برابر تهدیدات بین‌المللی کاهش می‌دهد و در رفع بحران‌های پنج‌گانه «هویت، مشارکت، مشروعیت، توزیع و نفوذ» نقش دارد و بنابر دیدگاه نویسندگان امنیت، مطالعات امنیت به ویژه در نسبت با سایر پدیده‌ها، از تنوع و تکرار بسیار برخوردار است (افتخاری، ۱۳۹۲: ۱۰) امنیت ساز است. در ثانی انتخابات بنا بر پیام‌ها و سیگنال‌های که به دیگر دولت‌ها مخابره می‌کند، سبب تعاملات و روابط نهادینه و

1. Peter Katzenstein
2. Helga Hoffendron

دیپلماسی عمومی بین دولت می‌شود «دیپلماسی عمومی ارتباط نزدیکی با مشارکت و مشروعیت و مفهوم قدرت نرم دارد، قدرت نرم نیز قدرتی است؛ که باعث می‌شود دیگران از روی رضایت خواست ما را مورد توجه قرار دهند و ما نیز ترجیحات طرف مقابل را مطابق میل خود تغییر دهیم، بی‌آنکه طرف مقابل احساس اجبار کند» (قنبرلو، ۱۳۹۴: ۱۸۳). درواقع اگر دیپلماسی عمومی را نوعی وسیله ارتباط بین دولت‌ها بدانیم، ایجاد قدرت نرم و امنیت نرم از طریق انتخابات، یکی از اهداف آن به حساب می‌آید. چراکه دیپلماسی در فضای امنیت نرم و براساس شاخصه‌های قدرت نرم و ثبات نمایان می‌گردد، به‌طوری که ثبات سیاسی به‌عنوان مهم‌ترین هدف سیاسی-امنیتی دولت‌ها درواقع حالتی است که در آن اعضای جامعه از الگوهای رفتاری نهادینه‌شده در چارچوب کانال‌های رسمی به انتظارات و نقش سیاسی خود عینیت می‌بخشند، که با خواست عمومی همراهی می‌شود» (خواجه سروری، ۱۳۸۲: ۹۲).

نتیجه گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر تبیین این موضوع بود، که از طریق اصول و مبانی نظری و علمی نظریه سازه‌انگاری بتوان به‌عنوان راهبردی علمی و کارآمد با رویکردی جدید نقش انتخابات در روابط بین دولت‌ها تبیین کرد، برای این منظور این پژوهش در نتیجه یک فرایند دوسویه بین انتخابات از یک‌سو و نظریه سازه‌انگاری اجتماعی الکساندر ونت از سوی دیگر به‌منظور تبیین نقش انتخابات در روابط بین دولت‌ها با مدنظر قرار دادن این اصل اساسی که روش بررسی موضوعات سیاسی - اجتماعی مثل انتخابات نسبی و تابع موضوع تحقیق، اهداف، تئوری‌ها و چارچوب مفهومی پژوهش است. اولاً با امعان نظر از نظریه سازه‌انگاری به‌عنوان راهی میانه در نظریه‌پردازی و واجد انگاره‌های روش‌شناختی به‌عنوان یک نظریه و روش پژوهش، که معتقد به تبیین مفهوم علت و مکانیسم علی است؛ و علت را مشمول ارتباط میان دو مؤلفه علت (عنصر تأثیرگذار) و معلول (عنصر تأثیرپذیر) می‌داند. از طریق برقراری رابطه علت و معلول بین انتخابات و نظریه سازه‌انگاری اجتماعی الکساندر ونت که در آن انتخابات به‌عنوان علت و عنصر تأثیرگذار و سازه‌انگاری اجتماعی الکساندر ونت به‌عنوان عنصر معلول و تأثیرپذیر در نظر گرفته شده‌اند. با برقراری رابطه علت و معلولی بین انتخابات و نظریه سازه‌انگاری اجتماعی الکساندر ونت به نقش انتخابات در روابط بین دولت‌ها پرداخته شد؛ و این نتیجه به دست داد که نظریه سازه‌انگاری اجتماعی الکساندر ونت قابلیت تبیین نقش انتخابات در روابط بین دولت‌ها دارد.

در ثانی نتایج حاصل از تجربه و تحلیل مبانی نظری پژوهش نشان داد، نظریه سازه‌انگاری اجتماعی الکساندر ونت بنابر عقبه اجتماعی و صبغه معنایی و رویه گفتمانی که در روابط بین‌الملل دارد و مبنی بر ساختارها، عوامل فکری و فرهنگی، هنجارها و هویت در روابط بین‌الملل است؛ و روابط بین‌الملل را برساخته اجتماعی واقعیات و در تعامل با دولت‌ها می‌داند. به دو طریق یکی نمایش هنجارهای دموکراتیک شامل انتخابات آزاد و منصفانه، مشارکت و رقابت نهادمند، کسب و انتقال مسالمت‌آمیز قدرت و ایجاد سیاست‌های متفاوت و سازنده داخلی و خارجی و دیگری از طریق حق تعیین سرنوشت مردم به‌عنوان

بخشی از تعامل با دیگر دولت‌ها، دیپلماسی عمومی، صلح دموکراتیک، فرهنگی سیاسی، مشروعیت و امنیت نرم و قدرت نرم... بسترساز نقش انتخابات در روابط بین دولت‌ها است.

- اخوان کاظمی، بهرام، (۱۳۸۶)، «بررسی تعاملات فرهنگ سیاسی و تحزب در ایران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، پاییز، سال دوم، شماره چهار.
- اسمیت، استیو و بلیس، جان، (۱۳۹۲)، جهانی شدن سیاست: روابط بین الملل در عصر نوین، جلد اول، گروه مترجمان، تهران: ابرار معاصر.
- افتخاری، اصغر، (۱۳۹۲)، «تهدید نرم، رویکردی اسلامی»، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
- افتخاری، اصغر، (۱۳۸۵)، صورت‌بندی امنیت ملی در حوزه، فقه سیاسی، فصلنامه علوم سیاسی، سال نهم، شماره سوم.
- اونیل، پاتریک، (۱۳۸۶)، مبانی سیاست تطبیقی، ترجمه سعید میر ترابی، تهران: نشر قومس.
- بوتول، گاستون، (۱۳۷۱)، جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه هوشنگ فرخجسته، چاپ اول، تهران: نشر علمی فرهنگی.
- بشیریه، حسین، (۱۳۸۲)، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی ایران، تهران: نگاه معاصر.
- توکل نیا، پرویز؛ گلشنی، علیرضا و احمد آذین، (۱۳۹۹)، «بررسی رابطه انتخابات با قدرت نرم، امنیت نرم و ناامنی»، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، زمستان، سال ۱۴، شماره ۵۳
- چکل، جفری تی، (۱۳۹۱)، سازه‌نگاری و سیاست خارجی، در استیو اسمیت و دیگران، سیاست خارجی نظریه‌ها، بازیگران و موارد مطالعاتی، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، محسن محمودی و ایوب کریمی، جلد اول، تهران: انتشارات سمت.
- خیری، کابک، (۱۳۷۹)، گفتمان و سازنده‌گرایی در روابط بین الملل: مجموعه مقالات گفتمان و تحلیل گفتمان، محمدرضا تاجیک، چاپ اوی، تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
- خواجه سروری، غلامرضا (۱۳۹۰). رقابت سیاسی و ثبات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، چاپ اول، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی

- دانش نیا، فرهاد، (۱۳۹۴)، «ساره انگاری الکساندر ونت: امتناع از گذار از بن‌بست‌های تئوریک روابط بین‌الملل و دستیابی به راهی میانه»، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تابستان، سال ششم، شماره دوم
- دونبوا، آلن، (۱۳۷۴)، قدرت فرهنگی، ترجمه شهروز رستگار نامدار، فصلنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی، خرداد و تیر، شماره ۹۳-۹۴.
- رز، ریچارد، (۱۳۹۰)، دایره المعارف بین‌المللی انتخابات، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: نشر میزان
- رسولی ثانی آبادی، الهام، (۱۳۹۱)، «بررسی هویت نظام جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه‌انگاری»، فصلنامه علوم سیاسی، تابستان، سال ۱۵، شماره ۵۷
- روسو، ژان ژاک، (۱۳۶۸)، قرارداد اجتماعی، ترجمه غلامحسین زیرک زاده، تهران: نشر ادیب.
- ریس کاپن، توماس، (۱۳۸۵)، صلح مردم سالارانه - مردم سالاری‌های جنگ طلب: تفسیر مکتب برسازی اجتماعی از استدلال لیبرال‌ها، آندرو لینکلتر، تدوین، مفاهیم اساسی در روابط بین‌الملل: صلح لیبرالی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: وزارت امور خارجه.
- شاپوری، مهدی و دیگران، (۱۳۹۶)، «نسبت امنیت و توسعه؛ الزامات سیاست خارجی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، تابستان، سال بیستم، شماره دوم.
- عالم، عبدالرحمان، (۱۳۹۰)، بنیادهای علم سیاسی، جلد دوم، تهران: نشر نی
- عبدالمطلب، عبدالله و امامی، سید، (۱۳۸۸)، «عوامل مؤثر بر مشارکت شهروندان در انتخابات ریاست جمهوری و مجلس؛ مطالعه موردی شهر تهران»، پژوهشنامه علوم سیاسی، پاییز، سال چهارم، شماره ۴
- قنبرلو، عبدالله، (۱۳۹۴)، «تأثیر انتخابات بر جایگاه بین‌المللی دولت: با تأکید بر جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، پاییز، سال هجدهم، شماره سوم
- گریفیس، ماتین، (۱۳۸۸)، دانشنامه روابط بین‌الملل و سیاست جهان، ترجمه علیرضا طیب، جلد اول، تهران: نشر نی

- لینکلتر، آندرو، (۱۳۸۵)، *نوع واقع گرایی، نظریه انتقادی و مکتب برسازی*، ترجمه علیرضا طیب، جلد اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، وزارت امور خارجه
- مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۹۰)، *تحول در نظریه های روابط بین الملل*، جلد دوم، تهران: انتشارات سمت.
- مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۵)، *تحول در نظریه های روابط بین الملل*، جلد اول، تهران: انتشارات سمت
- مشیرزاده، حمیرا، (۱۳۸۳)، «سازهانگاری به عنوان فرا نظریه روابط بین الملل»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، پاییز، دوره ۶۵، شماره پیاپی ۵۲۱.
- معینی علمداری، جهانگیر و راسخی، عبدالله، (۱۳۸۹)، «روش شناسی سازهانگاری در حوزه روابط بین الملل»، *فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین المللی*، پاییز، سال دوم، شماره چهارم.
- متقی، ابراهیم و کاظمی، حجت، (۱۳۸۶)، «سازهانگاری هویت، زبان و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه سیاسی، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، زمستان، دوره ۳۷، شماره چهارم*.
- مائوز، زیو و راست، بروس، (۱۳۸۵)، *علل هنجاری و ساختاری صلح دموکراتیک، آندرو لینکلتر، تدوین و مفاهیم اساسی در روابط بین الملل: صلح لیبرالی*، ترجمه علیرضا طیب، جلد اول، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
- مصفا، نسرين، (۱۳۷۵)، *مشارکت سیاسی زنان در ایران*، جلد اول، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه
- ملکی، امیر، (۱۳۸۴)، «نگرش جوانان نسبت به مشارکت سیاسی زنان در سطح برگزیدگان سیاسی»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، بهار، شماره ۲۵.
- هادیان، ناصر، (۱۳۸۲)، «سازهانگاری: از روابط بین الملل تا سیاست خارجی»، *فصلنامه سیاست خارجی، زمستان، سال هفدهم، شماره چهارم*.

- ونت، الکساندر، (۱۳۹۸)، *نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، چاپ دوم، تهران: وزارت امور خارجه
- ونت، الکساندر، (۱۳۸۵)، *نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، چاپ اول تهران: وزارت امور خارجه.
- ونت، الکساندر، (۱۳۸۴)، *نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- هافندرون، هلگاه، (۱۳۷۱)، «معمای امنیت: نظریه پردازی و ایجاد قواعد در زمینه امنیت ملی»، فصلنامه سیاست خارجی، دوره ششم، شماره چهارم

References

- Checkel, Jeffrey T, (2017), "Social Constructivisms in Global and European Politics". *Advanced Research on the Europeanization of the Nation-State*, pp. 1- 26.
- Neufeld, M,(1994), *Reflexivity and international relations theory. Beyond Positivism: Critical Reflections on International Relations*, London: Lynne Rienner, 11-35.
- Onof, N. G ,(1989), *Worlds of Our Making: The Strange Career of Constructivism in International Relations*: Puchala, p.119-140.
- Oga, Toru ,(2004), *From Constructivism to Deconstructive: - Theorizing the Construction and Culmination of Identities*, UK: University of Essex.
- Reus-Smit, Christian ,(2005), *Constructivism, Theories of International Relations*, Burchill Scott and Andrew Linklater (eds.), New York, Palgrave.
- Wendt, Alexander ,(1999), *Social Theory of International - Politics*, Cambridge: Cambridge University Press.

- Wendt, Alexander ,(1998), *On Constitution and Causation in International Relations*, Review of International Studies, 24:101-117.
- Zehfuss, Maja ,(2002), *Constructivism in International Relations: The Politics of Reality*, Cambridge University Press.
- Nye, Joseph S ,(2002), *The Paradox of American Power: Why The World's only Saperpower Can't Go It Alone*, Oxford, Oxford University Press.